

#### نگاه

درباره کتاب «میان گذشته و آینده» هانا آرنت

### تمرین‌هایی در اندیشه سیاسی

#### جوادلگزیان

هانا نظریه‌پردازِ سیاسی است با بحث‌هایی پردامنه درباره فهم ماهیت قدرت و کارکردهای آن، تحلیل خشونت و انقلاب. کتاب «میان گذشته و آینده» آرنت شامل هشت مقاله خواندنی و تأمل‌برانگیز است که هدف آنها کسب تجربه در «چگونه» اندیشیدن است؛ به قول آرنت، قصد آنها این است که رشته گسسته سنت را دوباره گره بزنند یا با ابداع جایگزین‌های نو ظهور، شکاف میان گذشته و آینده را پر کنند. در هشت تمرین در اندیشه سیاسی، مسئله حقیقت در تعلیق باقی می‌ماند. تنها چیزی که مورد توجه خواهد بود، این است که انسان در این شکاف چگونه باید حرکت کند؛ اگرچه شاید این شکاف تنها جایی باشد که حقیقت به‌تدریج پدیدار می‌شود. این رساله‌ها تمرین‌هایی هستند در اندیشه سیاسی، به آن نحو که از دل رخداد‌های واقعی سیاسی پدید می‌آید. فرض آرنت این است که اندیشه، خود از دل رخداد‌ها در تجربه‌ای زنده پدید می‌آید و باید با آنها در پیوند باقی بماند؛ زیرا اندیشه مرکزی برای جهت‌یابی جز این تجربه‌ها ندارد. کتاب به سه پاره تقسیم می‌شود: پاره نخست به گسستِ مدرن در سنت و مفهوم تاریخ می‌پردازد که دوران مدرن امیدوار بود آن را جایگزین مفاهیم متافیزیک سنتی کند. پاره دوم درباره دو مفهوم سیاسی بنیادی مرتبط با هم، یعنی قدرت و آزادی، بحث می‌کند. پیش‌فرض این پاره، بحث پاره اول است، به این معنا که پرسش‌های مستقیم و پایه‌ای مانند «قدرت چیست؟» و «آزادی چیست؟» تنها هنگامی می‌توانند طرح شوند که پاسخ‌هایی که از طریق سنت ارائه می‌شوند، دیگر در دسترس یا معتبر نباشند. سرانجام، چهار مقاله پاره آخر یعنی بحران در آموزش و تربیت، بحران در فرهنگ، اهمیت اجتماعی و سیاسی آن؛ حقیقت و سیاست و تسخیر فضا و مقام انسان، تلاش‌هایی صریح‌اند برای به کار بردن آن نوع از فکر که در دو پاره نخست آرموده شدند. درباره مسائل فوری و مطرحی که هرروزه با آنها مواجه می‌شویم، به‌طور مسلم نه برای اینکه پاسخ‌هایی قطعی بیابیم، بلکه به امید روشن‌کردن موضوعات و یافتن نوعی اطمینان درباره اینکه چگونه می‌توان با مسائل خاص روبه‌ور شد. در بحث درباره آزادی آرنت معتقد است، طرح پرسش «آزادی چیست؟» اقدامی است نامیدکننده. گویی تضادهای و تناقضات درین‌ه در کمین نشسته‌اند تا معماهای اِمتناع منطقی را به اندیشه انسان تحمیل کنند، به‌طوری‌که دریافتن مفهوم آزادی یا مفهوم ضد آن همان‌قدر ناممکن می‌شود که تصورکردن دایره چهار گوش. این مسئله را در ساده‌ترین شکل می‌توان در تضاد میان آگاهی و وجدان خلاصه کرد. از یک سو، وجدان مان می‌گوید آزاد و از این‌رو مسئولیم، از سوی دیگر، تجربه روزمرمان نشان می‌دهد که همواره باید خود را مطابق اصل علیت، با جهان بیرونی هماهنگ کنیم. از نگاه آرنت، آزادی‌ای را که در همه آرای سیاسی مسلم می‌انگاریم حتی کسانی که حکومت استبدادی را می‌ستایند، با هم باید آن را به حساب آوردند، درست ضد «آزادی درونی»، یعنی فضایی درونی است که انسان‌ها برای قرار از اجبار بیرونی و «احساس» آزادی می‌توانند به آن بگریزند؛ این احساس درونی نمود‌های بیرونی ندارد. از این‌رو ربطی به سیاست ندارد. هر چیزی که روابوین آزادی درونی را توجیه کند، و هر قدر هم آزادی درونی را در دوران باستان پسین شیوا وصف کرده باشد، باز هم از لحاظ تاریخی، پدیده‌ای است پسین. احساس آزادی در آغاز نتیجه نوعی بیگانگی از جهان بود که تجربه‌های دنیوی را به تجربه‌های درونی شخص بدل می‌کرد. تجربه آزادی درونی همواره غیراصلی است، زیرا پیش‌فرض آن همواره این است که انسان از جهانی که آزادی او را گرفته است، دوری می‌گزیند و به درون خود، که کسی دیگر به آن دسترسی ندارد، پناه می‌برد. در دوران باستان پسین، کسانی که در جهان بیرونی جایی برای خود نمی‌یافتند، معنویت را به‌عنوان مکانی برای آزادی مطلق کشف کردند. از آغاز دوران باستان تا کامیابش میانه‌های قرن نوزدهم، همگان هم‌عقیده بودند که پیش‌شرط آزادی، داشتن جایگاهی در جهان بیرونی است. آرنت بر موهبت بی‌همتای آزادی انسان و توانایی آزادی او تأکید دارد: دوره‌های آزادی در تاریخ بشر، همواره کمابیش کوتاه بوده‌اند. اما آنچه بیشتر وقت‌ها در این دوره‌های تحجر و زوال قطعی، دست‌نخورده باقی می‌ماند، خودِ توانایی آزادی است، توانمندی محض آغازکردن که به همه فعالیت‌های انسان روح می‌بخشد و الهام می‌دهد و آغازگاه ناپیدی پیدایش همه چیزهای بزرگ و زیاست. اما تا زمانی که این آغازگاه پنهان است، آزادی واقعیتی دنیوی و ملموس نیست، یعنی واقعیتی سیاسی نیست، چون آغازگاه آزادی، حتی زمانی که زندگی سیاسی متحرشده و کنش سیاسی توان متوقف‌کردن روندهای خودکار را ندارد، حضور خود را حفظ می‌کند، آزادی به‌سادگی می‌تواند با پدیده‌ای در اساس غیرسیاسی اشتباه گرفته شود. در چنین شرایطی، آدمی آزادی را به‌عنوان شیوه‌ای از بودن که نوعی «هنرمندی» و هنر آفرینی خاص خود را دارد، تجربه نمی‌کند، بلکه آن را مانند موهبتی بی‌همتا درک می‌کند که به‌ظاهر تنها انسان در میان همه زندگنان زمینی، از آن برخوردار شده است. آن‌رها و نشانه‌های این موهبت را می‌توانیم کمابیش در همه فعالیت‌های آدمی بیابیم. با این‌همه، آزادی نخست هنگامی که کنش، فضای دنیوی خاص خود را پدید آورده، یعنی جایی که آزادی، به تعبیری از مخفیگاه بیرون می‌آید و پدیدار می‌شود، می‌تواند به‌طور تام و تمام تکامل یابد. کنش برای آزادی توصیه آرنت است: هر کنش یک «معجزه» است، یعنی چیزی است که انسان نمی‌توانسته آن را انتظار داشته باشد، اگر به آن نه از چشم‌انداز انسان کنشگر، بلکه از دیدگاه روندی بنگرند که در چارچوبش این کنش رخ می‌دهد و روند خودکارش با این کنش دچار گسست می‌شود. اگر حقیقت دارد که کنش و آغازگری در اساس یکی هستند، آن‌گاه باید نتیجه گرفت که توانمندی انجام معجزه باید به همان شکل در محدوده توانایی‌های بشری باشد. تاریخ برخلاف طبیعت، انباشته از رویداد است؛ در تاریخ، تصادف‌ها و امور بی‌نهایت نامحتمل آن‌قدر بارها رخ می‌دهد که سخن گفتن از معجزه به‌طور کلی عجیب به نظر می‌رسد. اما دلیل این تکرار فقط آن است که روندهای تاریخی را ابتکار انسان‌های کنشگر پدید می‌آورند و پیوسته آنها را دچار گسست می‌کنند. از این‌رو در انتظار امور پیش‌بینی‌ناپذیر و آمادگی داشتن برای معجزات در قلمرو سیاسی به‌هیچ‌وجه خرافه‌پرستی نیست، بلکه بیشتر امری است که انسان به نحوی واقع‌گرایانه می‌تواند آن را توصیه کند. در نهایت از دید آرنت آزادی به آفرینش واقعیت تاریخی ره می‌برد؛ احتمال اینکه فرد مانند امروز باشد، همواره بسیار زیاد خواهد بود. اگر این احتمال را از بیرون و به‌طور عینی بسنجیم، یعنی در نظر نگیریم که انسان نوعی آغاز و مسبب است، تفاوت تعیین‌کننده میان «امری بی‌نهایت نامحتمل» که واقعیت زندگی زمینی بر آن استوار شده است و ویژگی معجزه‌آسای رخداد‌هایی که واقعیت تاریخی را می‌سازند، در این است که در قلمرو امور بشری، می‌دانیم که آفریننده «معجزه‌ها» کیست. انسان‌هائیکه به این معجزه‌ها را انجام می‌دهند؛ انسان‌هایی که به سبب اینکه از موهبت دوگانه آزادی و کنش برخوردارند، می‌توانند واقعیت خود را بیافرینند.

#### میان گذشته و آینده

هشت تمرین در اندیشه سیاسی

##### هانا آرنت

#### ترجمه سعید مقدم

##### انتشارات اختران



**شرق**: فارغ از اینکه ما چه قضایوی درباره نمایشگاه بین‌المللی داریم، ایسن نکته را نمی‌توان انکار کرد که این مکان فرصت مغتنمی است برای دیدار نویسندگان و مخاطبان آثارشان و گفت‌وشنود درباره آنها. البته اگر حضور نویسنده با دعوت ناشر و اعلام عمومی باشد، حلاوت این دیدار دوجندان خواهد بود. روز گذشته غرفه انتشارات «کتاب شرق» میزبان دو تن از نویسندگانش بود. پرویز پیران به دلیل انتشار کتاب «روایت پرویز» و داریوش رحمانیان برای تألیف کتاب‌های «تاریخ دیدمانی»، «تاریخ علت‌شناسی، انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمانان» و «ایران بین دو کودتا». دیدار این نویسندگان با خواندگانشان، با امضای آثارشان نیز همراه بود. اما مهم‌تر از آن، دیدار دانشجویان با استادان خود بود که به یادآوری خاطرات گذشته و روزگار خوش گذشته زنده شد. این دیدارهای آشنا به غرفه «کتاب شرق» حسی نوستان‌زیک داده بود. دانشجویانی که مسیر درسی خود را ادامه داده و در همان زمینه مشغول به کار شده بودند، با اشتیاق از آن روزها می‌گفتند، و آنان که ایسن فرصت را از دست داده بودند، حرف‌هایشان با افسوس همراه بود. دکتر



دیدار با پرویز پیران و داریوش رحمانیان در غرفه «کتاب شرق»

# از خاطرات خوش گذشته تا هوش مصنوعی

پیران بیشتر به نقل خاطراتی از پروژه‌هایی پرداخت که با دانشجویان گذرانده بود و آنان را نیز در این خاطرات سهمیم می‌کرد. پرویز پیران در کتاب «روایت پرویز»، با دید تاریخی و نقادانه به مسئله توسعه‌نیافتگی ایران پرداخته است. این جامعه‌شناس برخلاف برخی متفکران حوزه توسعه، به نظریات غربی وابسته نیست و سعی دارد نظریه‌ای درباره مسئله توسعه تبیین کند که مبتنی بر زمینه و بافت تاریخی و فرهنگی و اجتماعی ایران باشد. پیران، مدرنیته ایرانی را شرشار از تناقض می‌داند و اعتقاد دارد که این مفهوم به رحمانیان با چنین مقدمه‌ای قصد دارد به اساسی‌ترین محور تاریخ تفکر جدید بپردازد که از نظر او، علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی است. «تاریخ دیدمانی» نیز مجموعه‌ای از مقالات و گفتار رحمانیان با محور اهمیت شواهد دیداری و دیدمانی است. «ایران بین دو کودتا» به تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران در فاصله زمانی سرنوشت‌ساز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد و با نگاهی انتقادی سعی دارد تحولات مهم تاریخ ایران را در روند شکل‌گیری هویت ملی و سیاسی نشان دهد.

دانشجویان خود به گفت‌وگو نشست. رحمانیان باور دارد که با وجود هوش مصنوعی، وضعیت آموزش در جهان به شکلی اساسی دگرگون خواهد شد. داریوش رحمانیان در کتاب «تاریخ علت‌شناسی، انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمانان» می‌نویسد: «بسیاری معتقد بودند علت و عامل بدیختی ما استبداد و بی‌قانونی است و علت و عامل پیشرفت و برتری فرهنگی‌ها دموکراسی و قانون‌مداری است، اما کمتر کسی سؤال کرد که چرا اینجا استبداد آمد و ریشه‌دار شد و آن‌سو دموکراسی و قانون‌مداری آمد و چیره شد».

رحمانیان با چنین مقدمه‌ای قصد دارد به اساسی‌ترین محور تاریخ تفکر جدید بپردازد که از نظر او، علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی است. «تاریخ دیدمانی» نیز مجموعه‌ای از مقالات و گفتار رحمانیان با محور اهمیت شواهد دیداری و دیدمانی است. «ایران بین دو کودتا» به تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران در فاصله زمانی سرنوشت‌ساز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد و با نگاهی انتقادی سعی دارد تحولات مهم تاریخ ایران را در روند شکل‌گیری هویت ملی و سیاسی نشان دهد.

۴. مذاکرات و انتظارات آنها
اینکه آقای ترامپ می‌گوید «فقط می‌خواهم ایران سلاح هسته‌ای نداشته باشد» نباید ما را گمراه کند. هر توافقی با آمریکا، چه برجامی و چه فرابرجامی، غیرممکن یا ناپایدار خواهد بود، هرگاه استراتژی ایران در قبال مسائل منطقه همان باشد که در ۳۵ سال اخیر بوده است. استراتژی ایران در قبال اسرائیل نمی‌تواند با استراتژی سایر بازیگران اصلی منطقه‌ای در قبال اسرائیل متضاد باشد و در همان حال انتظار داشته باشیم آمریکا از بی‌کی توافقی هسته‌ای با ایران، دست از تحریم اقتصادی بردارد.

مهم‌ترین علت افزایش فاحش و مستمر فاصله اقتصاد ایران از رقبای منطقه‌ای، ترکیه، اسرائیل و عربستان، در دهه‌های اخیر دسترسی بسیار سهل آن رقا به بازارهای جهانی و محرومیت ایران از این درهم‌تیدگی که به علت تحمیل سنگین‌ترین سیستم تحریم‌های چندلایه اقتصادی است. ۱۴ سال است که رشد اقتصادی صفر ادامه دارد. شاخص‌ترین پیامد تحریم‌های اقتصادی، محدودیت خفه‌کننده دسترسی ما به بازارهای جهانی است و شاخص‌ترین پیامد عدم دسترسی به بازارهای جهانی، ۱۴ سال رکود و عقب‌ماندن فاحش اقتصاد ما از رقبای منطقه‌ای است. آقای ترامپ مدام می‌گوید «من فقط می‌خواهم ایران سلاح هسته‌ای نداشته باشد». اما معنای حرف او این نیست که اگر برنامه هسته‌ای واقعا و کاملا متوقف شود، نظام تحریم برچیده می‌شود، هرچند که نظام تحریم هیچ منفعت اقتصادی برای آمریکا ندارد.

چنانچه سیاست منطقه‌ای ما همان بماند که در ۳۵ ساله اخیر بود، نظام تحریم لغو نخواهد شد. نظام تحریم‌های آمریکایی زمانی که تضاد سیاست ایران با سیاست سایر قدرت‌های منطقه رفع شود، برچیده خواهد شد. ایران باید مثل ترکیه و عربستان سیاست‌ها و اقدامات میدانی خود را با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای همگون کند. بازگشت از مسیر خالص‌سازی و انتخاب پزشکیان گام اول و بازگشت از «نه به مذاکره» گام دوم در مسیر تحول بود. امروز امید ایران این است که با یک توافقی هسته‌ای در مسقط، گام سوم برداشته شود و سایه جنگ و دهشت از سر کشور رفع و دیوار تحریم نیز کوتاه‌تر شود؛ گامی که باید با بسط مناسبات با شرکای منطقه‌ای، راه را برای لغو کامل نظام تحریم و دسترسی کامل کشورمان به بازارهای جهانی هموار کند. تردید نکنیم که گام‌های فوق، فضای عمومی کشور را تغییر خواهد داد و آرامش و امید به آینده را به درون خانه‌ها و میل به مشارکت سیاسی را به شهرها و روستاهای کشور خواهد برد. میل به مشارکت جان‌مایه وفاق ملی است و وفاق ملی مهم‌ترین تضمین‌کننده آرامش و امنیت و ثبات کشور. امید و انتظار بزرگ این است که به‌روزرسازی ساختارهای حقوقی و قانونی کشور، در شرایطی در دستور کار قرار گیرد که موفق شده باشیم ایران را از چنبره تهدید و تحریم و تقابل و تحقیر بیرون آوریم و صلح و آرامش و امید به شکوفایی اقتصادی را به خانه‌هایمان بازگردانیم. سالی که نکوست از بهارش پیداست،

#### عطف

#### سرگذشت یک انقلابی

**شرق**: روبسیپر چهاره‌ای دوگانه دارد. او تنها کسی است که هم شهید انقلاب فرانسه شناخته می‌شود و هم چهاره‌ای منفی در انقلاب به شمار می‌رود. این نکته‌ای است که پیتر مک‌فی در کتاب «روبسیپر: سرگذشت یک انقلابی» به آن اشاره کرده است. کتاب نشان می‌دهد که از میان قهرمانان خوشنام و بدنام و میانه‌حال دوره برآشوب انقلاب فرانسه، روبسیپر تنها کسی است که هم شهید و هم دُرخیم انقلاب و رهبر «فسادناپذیر» آن نام داشت و چندی بعد به آماج نفرت خرد و کلان جامعه‌های بدل شد که در خیال خود آن را سخت عزیز می‌داشت. کتاب پیتر مک‌فی یکی از بهترین‌ی و جامع‌ترین زندگی‌نامه‌هایی است که درباره روبسیپر نوشته شده است.

این کتاب اخیرا با ترجمه علیرضا اسماعیلیور در نشر مدر منتشر شده است. مترجم کتاب در یادداشت ابتدایی‌اش نوشته که سرنوشت روبسیپر او را به یاد تـراژدی «مکبث» می‌اندازد: داستان اندوهبار شهرداری خودکامه و خونخوار که به آدمیان و حتی به کـودکان رحم نمی‌کند، اما همچنان از جذبه‌ای خاص برخوردار است. او می‌پرسد چه چیزی مانع از آن می‌شود که مکبث را در ردیف دیگر نابکاران جهان شکسیر جای دهیم؟ شاید به این دلیل که او به‌رغم ظاهری مخوف، باطنی رنجور دارد و نیز اینکه سیری غریب اما بسیار انسانی و آشنا را می‌پیماید. روبسیپر نیز تا واپسین لحظه عمرش به دروستی راه خود ایمانی راسخ داشت. مترجم درباره او نوشته: «مرور احکام سرسام‌آور اجراشده در عهد رهبری او هنوز هم مایه دهشت آدمی می‌شود. با این‌همه، آن‌گاه که زندگی او را بازمی‌گویم، رفته‌رفته حیرت بر هراس غلبه می‌کند –حیات روبسیپر دیگر کمترین‌تر از آن است که عبرت‌آموز باشد. داستان او را باید همچون سرگذشت قهرمانان تراژدی‌های یونانی یا سالاران سرسخت و آرمان‌گرای رومی خواند، مردانی که وی خود از عهد نو جوانی سخت شایفته کاوش در زندگی‌شان بدود. اغلب می‌شنویم و می‌خوانیم که بزرگ‌ترین خودکامکان تاریخ را فرمانروایانی سرمست قدرت می‌نامند، اما بعید است بتوان بر او نیز چنین نامی نهاد. روبسیپر، به‌رغم جاه‌طلبی ذاتی، از باده‌ای بسیار خطرناک‌تر سرمست بود. آرمان‌هایی که طی سالیان سال، از روزهای لاتین‌خوانی در دبیرستان تا آستانه انقلاب سرنوشت‌ساز ۱۷۸۹، پیوسته در نهاد او قد می‌کشیدند و سایه می‌گسترند چنان وی را شایفته و ششیدای خود کرده بودند که برای حفظ آنها به سادگی می‌توانست بر دیگر مکارم اخلاق چشم فروبند».

عناوین فصل‌های دوازده‌گانه این کتاب عبارت‌اند از: «پسرکی جدی، عاقل و سخت‌کوش»، «عطشی سیری‌ناپذیر برای کامیابی»، «مردی چنین کاردارن»، «کوبا تجرد آتش عصیان را برمی‌افروزد»، «ما در آستانه پیروزی هستیم»، «دلیر به پاک‌کردن اصطبل‌های آتوگناس»، «آنبوه دشمنان قسم‌خورده»، «کین‌خواهی مردم»، «آیا این است آنچه می‌خواستید: انقلاب بدون انقلاب؟»، «یک بازسازی کامل»، «بولگملون‌صفتان» و «غمگین‌ترین مرد دنیا».

پیتر مک‌فی تاریخ‌نگار مشهور دوران مدرن فرانسه و استاد دانشگاه ملبورن است. او همچنین پیش‌تر مسئولیت ریاست این دانشگاه را هم بر عهده داشته است. مک‌فی درباب تاریخ فرانسه در سده هجدهم آثار متنوعی نوشته است که از میان آنها می‌توان سه «آزادی با مرگ»، «تاریخ اجتماعی فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۱۹۱۴» و «حیات انقلاب فرانسه: ۱۷۸۹-۱۷۹۹» اشاره کرد. مک‌فی عضو فرهنگستان علوم انسانی و فرهنگستان علوم اجتماعی استرالیاست و در سال ۲۰۱۲ نشان استرالیا را نیز دریافت کرده است.



#### روبسیپر

#### پیتر مک‌فی

##### ترجمه علیرضا اسماعیل‌پور

##### نشر مد